

[۱] سال هاست که جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود و این روال جشنواره هرسال به‌ویژه در بخش داوری‌ها با شگفتی‌ها و انتقادهایی همراه است. اگر بخواهید مروری روی این روند جشنواره فجر و شیوه گزینش هیأت انتخاب و داوری‌ها داشته باشیم، طرح چه مسائلی اولویت دارند؟

فهمیم: جشنواره فیلم فجر در چهل‌وسومین سالی که در آن بوده‌ام و با این جشنواره پیر شدم، بیشتر از همه تحت تأثیر سیاسی‌کاری قرار گرفته و به‌ورطه تصمیم‌های جناحی و سیاسی افتاده است. بستگی دارد که چه کسی در سطح مدیریت جشنواره باشد و با چه سیاست‌هایی جشنواره را پیش ببرد. به همین دلیل، جشنواره فجر هیچ‌گاه به‌جز چند دوره، مبتنی بر قواعد، مؤلفه‌ها و استانداردهای جشنواره‌های جهانی نبوده است.

یک توجیه همواره در ایران برای این جشنواره، به‌ویژه امسال که آقای شاهسواری اعلام کرد، وجود دارد که این جشنواره خاص کشور ماست و مشابه آن هیچ‌جا نیست. به همین دلیل، آقایان این موضوع را مستمسک قرار می‌دهند تا از روش‌های غیرمنطقی، غیرهنری، غیراستاندارد و غیراصولی استفاده کنند و این به نوعی راه‌ر فراری برای آنها شده است.

به همین دلیل، اعلام می‌کنند که جشنواره فجر جشن یا فرصتی است که می‌خواهیم دور هم باشیم و با هم بیاییم و برویم. این موضوع باعث شده که هر سال جشنواره دچار افت شود و از تأثیرگذاری و الگودهی دائمی خود عقب بماند و به یک زائده برای سیاسی‌کاران تبدیل شود. معتقدم هیأت انتخاب یکی از واحدهای اضافه و حاشیه‌ساز جشنواره فجر است. هیچ‌جای دنیا در جشنواره‌های استاندارد جهانی، هیأت انتخاب وجود ندارد؛ فقط در جشنواره‌های ما به‌ویژه جشنواره فجر، هیأت انتخاب وجود دارد.

دلیل وجود هیأت این است که دبیر پاسخگو نباشند و در برابر رسانه‌ها جواب ندهند. شکل کارشان به این نحو است که پنج یا شش نفر را استخدام می‌کنند و از آنها می‌خواهند که چند فیلم را انتخاب کنند. این در واقع عقب‌مانده‌ترین واحد بخش جشنواره بوده و وجود آن اضافه است. در جشنواره‌های جهانی، از جمله جشنواره کن، دبیرخانه دائمی وجود دارد و دبیر جشنواره در طول سال به اتفاق مشاورانش کار و فیلم‌ها را از سراسر دنیا رصد می‌کند اما در ایران، به دلیل همین موضوع، می‌خواهند از زیر مسئولیت شانه خالی کنند. اولین کار هیأت انتخاب، ایجاد حاشیه برای جشنواره است. در رابطه با موضوع داوری جشنواره، به جای این‌که داوران از رشته‌های مختلف هنری و سینما باشند، براساس بیکاری افراد یا رابطه‌های شخصی، هیأت داوری تشکیل می‌دهند. نتیجه این می‌شود که جشنواره امسال، بدترین اتفاق ممکن را رقم زد. به‌عنوان مثال،

فیلم آقای صدراعظمی را به‌عنوان

بهترین فیلم جشنواره اعلام

می‌کنند اما در هیچ رشته‌ای

جایزه‌ای نمی‌دهند. این به

چه معناست؟ اگر بهترین

فیلم است، حداقل باید

در رشته‌های کارگردانی،

فیلمنامه-تدوین و

فیلمبرداری هم جایزه بگیرد.

هیچ‌گاه در جشنواره‌های

دنیا، ازجمله مراسم سینمایی

اسکار، هیچ فیلمی را به‌عنوان

بهترین فیلم بدون این‌که در

رشته‌های دیگر هم برتر نباشند،

معرفی نمی‌کنند. در مورد سیمرغ

مردمی هم می‌توانیم صحبت

کنیم. سیمرغ مردمی همیشه بحث

و حاشیه داشت و به همین دلیل در

چند سال اخیر تعطیل بوده و حالا چه

کاری می‌کنند؟... سیمرغ مردمی را

به‌عنوان زاپاس می‌گذارند تا بعد

از تقسیم جوایز، می‌گویند این

یکی هم برای سیمرغ مردمی

است. در حالی که به‌عنوان

مثال، پرفروش‌ترین فیلم

جشنواره موسی کلیم‌ا...

۲۱ هزار بلیت فروخته اما

سیمرغ مردمی به فیلمی

داده می‌شود که تعداد

بلیت‌های فروش آن زیر

متوسط بوده است. به عبارتی،

بالاترین فروش مان ۲۱ هزار بلیت

بوده و کمترین فروش حدود ۱۵ تا ۱۶

هزار بلیت بود. بنابراین، سیمرغ مردمی

به جای این‌که واقعاً براساس آرای مردم

باشد، تبدیل می‌شود به یک چرخ زاپاس که

وقتی پنجر می‌شود، به آن مراجعه می‌کنند.

نکته دیگر این است که به جای این‌که آثار

براساس استانداردها و رقابت جدی بررسی

شوند، به این نگاه می‌کنند که آیا فلان

هنرمند قبلاً جایزه گرفته یا نه. این باعث

می‌شود که فیلم‌هایی که در واقع

صلاحیت دریافت سیمرغ را

دارند، نادیده گرفته شوند.

به‌عنوان مثال، موسی

کلیم‌ا... که بزرگ‌ترین

و باشکوه‌ترین فیلم

تاریخی مذهبی ماست،

به‌دلیل سیاسی‌کاری‌ها

نادیده گرفته می‌شود. از

همان آغاز، بعضی آقایان

توجیه‌شان این است که این

فیلم از سطح سینمای ایران بالاتر

است و بالطبع بودجه بیشتری دارد و

امکان رقابت آن با دیگر فیلم‌ها وجود ندارد و

وجود این فیلم در جشنواره بی‌عدالتی است. اولین تلاش هاکنار

گذاشتن موسی کلیم‌ا... بود و از اواسط جشنواره حاشیه‌سازی

را شروع کردند و ۱۰ مقاله سفارشی را در رسانه‌ها منتشر کردند که

این فیلم نباید داوری شود، چون عدالت را زیر پا می‌گذارد اما

اینها نیاز به شهامت دارد. هیأت داوری باید شهامت داشته

باشد که اگر یک فیلم واقعاً بهترین است، به آن جایزه بدهد اما

در جشنواره امسال، از ۴۷ فیلم در بخش مسابقه، فقط ۲۲ فیلم

جایزه گرفتند. این نشان‌دهنده شکست هیأت داوری است.

در جشنواره‌های معتبر جهانی، به‌عنوان مثال، اگر فیلمی در

۹ رشته نامزد دریافت جایزه شد، حداقل پنج جایزه را دریافت

می‌کند اما در جشنواره فجر، ماجرا شبیه موسی کلیم‌ا... می‌شود

که در ۱۳ رشته نامزد دریافت جایزه شد و تنها در چند رشته

فرعی به او جایزه تعلق می‌گیرد. در واقع، فیلم موسی کلیم‌ا... در

رشته‌های تخصصی مانند بازیگری و کارگردی که معیار جشنواره

محسوب می‌شود، جایزه‌ای دریافت نکرد. بنابراین، در جشنواره

فجر به‌دلیل مصلحت‌سنجی‌ها، جایزه‌ها به صورت غیرمنطقی

تقسیم می‌شوند. من خودم در همین جشنواره فجر داور بودم

اما حداقل برای سه فیلم این کار را انجام دادم. این درست

نیست که تمام جوایز به شکل مصلحتی میان هنرمندان تقسیم

شود. عجیب است که چنین رویکردی را به‌دلیل این‌که قدرت

تمیزآثار را نداشته‌اند، به جان خریدند. داوری کردن خیلی سخت

است و داورانی که در جشنواره فجر نشستند، باید توانایی

تشخیص فرمیک آثار را داشته باشند اما متأسفانه در سینمای

ما، فرم به‌درستی شناخته نمی‌شود. اگر هیأت انتخاب فیلم‌ها را

به‌درستی درک نکند، نتیجه این می‌شود که آثار باکیفیت نادیده

گرفته می‌شوند. در نهایت، وقتی مبنای جشنواره بر رضایت

همه باشد، در عمل همه ناراضی خواهند بود و این به میدان

شکست داوری تبدیل می‌شود. بنابراین، زمانی که هیأت داوری

تصمیم می‌گیرد جوایز را براساس رضایت تقسیم کند، در واقع به

شکست می‌انجامد اما اگر جوایز براساس شایستگی آثار داده

شود، نتیجه بهتری خواهد داشت. اکنون همه انتظار داشتند

که شما که ۲۲ جایزه داده‌اید، به ۳۲ فیلم هم جایزه می‌دادید.

[۲] با توجه به تجربه حضور در هیأت‌های فیلم فجر، انتخاب داوران معمولاً براساس چه معیاری اتفاق می‌افتد؟

فهمیم: معمولاً استاندارد کار این است که داوران به‌جز منتقدان، براساس استاندارد دوره‌های قبل انتخاب می‌شوند؛ یعنی اگر فردی برنده سال قبل شود، باید در ترکیب هیأت داوری جای بگیرد.

زهرایی: این قاعده انتخاب داوری در جشنواره‌ای که شایسته‌سالاری حاکم باشد، بیشتر صدق می‌کند.

[۳] آقای زهرایی با توجه به آنچه مطرح شد، از دریچه نگاه شما رویکرد جشنواره فجر چگونه است؟

زهرایی: در دنیا هیچ جشنواره‌ای نیست که مستقل باشد و هیچ اهدافی پشت‌سر نداشته باشد. جشنواره‌هایی مانند کن یا برلین هم سیاست‌ها و مصالح خود را دارند و این مسائل به‌وضوح با مسائل سیاسی و اجتماعی‌شان پیوند خورده و جشنواره فجر ما هم از این قاعده مستثنی نیست. اما نکته اشتراک من و آقای فهمیم این است که فکر می‌کنیم می‌توانیم مصالح را رعایت کنیم و ما به کیفیت و مدیوم سینما ارزش قائل باشیم.

مثالی از فوتبالی در جام جهانی ۱۹۹۰ برزیل می‌زنم. برزیل در آن زمان بد بازی می‌کرد اما به‌تدریج پیروز می‌شد. برخی منتقدان به مربی برزیل انتقاد کردند که چرا بازی زیبایی ارائه نمی‌دهد. مربی پاسخ داد که ما مجبوریم، ببریم. منتقدی انتقاد کرد که امکان زیبا بازی کردن و بردن هم وجود دارد و این مصداق دقیق جشنواره ماست. ما می‌توانیم اهداف و منافع ملی‌مان را در جشنواره داشته باشیم اما باید به فیلم‌های خوب بها داده شود و به هنر سینما بها دهیم تا در نهایت این هنر ارتقا یابد؛ چون ما سینما را برای سرگرمی می‌خواهیم و بعد از آن صنعت مطرح می‌شود و اگر صنعت سینما مهیا نشود، کارگردان و تهیه‌کننده نمی‌توانند فیلم بسازند. هیچ‌کس برای تفکر به سینما نمی‌آید بلکه



عصای موسی (۴) دریای ر

منتقدان سینما در گفت‌وگو با «جام جم» فرآیند انتخاب و داو

جشنواره فیلم فجر امسال نیز مانند سال‌های قبل به پایان رسید اما حرف و حدیث‌های اهدای جوایز هیچ‌وقت تمام نمی‌شود. امسال هم مانند سال‌های گذشته اهدای جوایز به فیلم‌ها شگفتی آفرید و یکی از شگفتی‌ها کاندید شدن فیلم «موسی کلیم‌ا...» در ۱۳ رشته و برنده شدن در پنج رشته به‌جز کارگردانی و بازی است که به اعتقاد اکثر کارشناسان و منتقدان بازی خوب مریلا زارعی و کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا دیده نشد. به‌جز این نیز، فیلم به‌تازگی از گزینه‌های اکران نوروزی قرار گرفته که بررسی شاخصه‌های آن خالی از لطف نیست. این قاعده انتخاب و داوری



[۱] اما لطفاً بگردیم به موضوع جشنواره فیلم فجر

زهرایی: بله حتما. این جشنواره چند امتیاز و چند نقص داشت؛ یکی از محاسن آن جوانگرایی بود و به فیلم‌اولی‌ها میدان

داده شد. همچنین تنوع ژانر در جشنواره وجود داشت. ما در

کمتر جشنواره‌ای تا این اندازه کمدی و فیلم‌های مربوط به دفاع‌مقدس داشیم و به نظر من تنوع ژانر خوب بود اما ازجمله

معایب جشنواره این است که آیا ما به بهانه تنوع ژانر باید هر

فیلمی را وارد جشنواره کنیم؟ این برمی‌گردد به سیستمی که

جناب فهمیم فرمودند؛ یعنی سیستم گزینش و نظارت. چرا باید

فیلمی که شایسته جشنواره نیست، وارد جشنواره شود؟

به‌عنوان مثال چرا باید فیلمی مانند «صنم» که به تعلق به یک هنرجوی هنرستان سینماست،

به نمایش درآید. این فیلم اصلاً به سینما مربوط نمی‌شود و فقط مشق هنرستان است. در رابطه با

مصلحت‌اندیشی در سینما، ما در یک دور باطل گرفتار شده‌ایم. می‌خواهیم سبد جشنواره فجر

پر بوده و خوب هم باشد اما بیشتر این تولیدات، ارگانی هستند و متأسفانه براساس شایسته‌سالاری

تولید نمی‌شود. ما می‌پذیریم که دغدغه‌های ارگانی باید درنظر گرفته شود اما بعد از این را باید

مطالبه کنیم که فیلم خوب به ما نشان دهند و سینمای درست بسازند. در نهایت به ارگان‌ها و

نهادهای محترم که بودجه تولید می‌کنند، باید نهیمی بزنیم که حداقل تخصصی‌تر، دلسوزانه‌تر و

آگاهانه‌تر کار کنند. انتخاب داوران باید براساس معیارهای فنی و کیفی باشد و از افرادی استفاده شود که در این زمینه تجربه و دانش کافی دارند. استفاده از استادان شناخته‌شده در سینما و

دانشگاه‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت داوری کمک کند. این افراد می‌توانند با تجربیات خود به انتخاب آثار شایسته کمک کنند.

[۲] حتی اگر بخواهیم از لحاظ کیفی به دیده‌اعضای هم نگاه کنیم تعداد فیلم‌های حاضر در فجر در نهایت ۲۲ فیلم باید باشد.

زهرایی: بله با توجه به دیدگاه ایده‌آلی که دارم، نهایت از بین این چهل و اندی فیلم تنها پنج فیلم با کیفیت خوب می‌توانیم پیدا کنیم. به‌طور قاطع بی‌تردید ۵۰ درصد فیلم‌هایی که در این

جشنواره دیدیم، چه ملودرام و چه دفاع مقدس، از نظر علمی

تله‌فیلم محسوب می‌شوند و ارکان و عناصر لازم برای نام‌گذاری

به‌عنوان فیلم سینمایی را ندارند. بنابراین فقط معیار این

نیست که فیلم تا ۷۵ دقیقه باشد. این‌گونه تصمیمات می‌تواند آسیب‌زا باشد.

[۳] به نظرتان این مصلحت‌اندیشی بود یا محافظه‌کاری؟

زهرایی: مصلحت‌اندیشی از محافظه‌کاری می‌آید و به‌طور طبیعی موافق این مصلحت‌اندیشی هستم اما باید این همسو

با شایسته‌سالاری باشد. به هر دلیلی که فیلم‌ها وارد جشنواره

شده‌اند و وقتی بازی خانم گلچهره سجادیه را داریم، چرا باید

جایزه را به کسی دیگر بدهیم؟ معتقدم این مصلحت‌اندیشی را می‌توانیم در جهت خوبی پیش ببریم اما

به‌نظرم این مصلحت در جهت درستی پیش نرفته است. یک مثال دیگر این‌که، فیلم «پچه

مردم» که تمام ارکان سینمایی‌اش درست و فاخر بوده و هم مخاطبان و هم منتقدان از

آن خوش‌شان آمده، سینمای ملی را به تصویر می‌کشد و ارزش‌های ما را بیان می‌کند، آن‌طور

که باید دیده نشود. به‌طور شخصی انتظار داشتم در کنار موسی

کلیم‌ا... که نامزدی‌های زیادی دارد، بچه مردم هم نامزدی زیاد داشته باشد. حالا اگر بخواهیم

مصلحت‌اندیشی‌کنیم، آیا فیلم «چشم بادومی» حرف جوان امروز و دهه ۸۰ نبود؟ چرا

به این مسائل بها نمی‌دهیم؟ اینجاست که معتقدم مصلحت‌اندیشی منطبق با شایسته‌سالاری نیست.

[۴] به نظرتان موسی کلیم‌ا... چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی داشت که می‌توانست دست‌او را در میدان دریافت جوایز فجر برتر کند؟

زهرایی: من با اختلاف‌نظری با آقای فهمیم معتقدم یکی از بهترین فیلم‌های تاریخی سینمای ایران روز واقعه است.

فهمیم: بخشی از سینما سلیقه است اما اعم آن هنر است که یک‌سری مؤلفه‌ها دارد که سلیقه‌ای نیست؛ یعنی وقتی فیلم

موسی کلیم‌ا... را با روز واقعه بررسی می‌کنیم، از نظر مفاهیم، روز

واقعه مربوط به ۲۰ سال پیش است اما فیلم موسی کلیم‌ا...، فیلمی

به‌روز است؛ همان‌گونه که دیدیم امروز در جهان، کودکان غزه راقلع

و قمع می‌کنند اما این فیلم با زبان سینما و تکنولوژی پیشرفته، یک